



زیرا برجام مبنا و اساس صدور قطعنامه است.

نتیجه‌گیری

ترسیم ارتباط حقوقی متن برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ با توجه به نقاط اشتراک و افتراقی که دارند، موارد دارای قابلیت تفسیر در اجرا، موارد توصیه‌ای و اجبار با دشواری نسبی روبه‌رو است. شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ اشعار می‌دارد: برنامه جامع اقدام مشترک بخشی از قطعنامه شورای امنیت است، پس بخشی از اعتبار خود را از شورای امنیت می‌گیرد و بر این اساس عده‌ای بر این باور هستند که لازم نیست آن را معاهده تلقی کنیم؛ زیرا بر طبق ماده ۲۵ منشور ملل متحد اجرای قطعنامه شورای امنیت برای همه کشورها الزامی است. فرض در این نوشتار بر این بود که قطعنامه ۲۲۳۱ و برجام از نظر حقوقی به یکدیگر وابستگی دارند و تأثیر و تأثر این دو سند انکارناپذیر است. درباره ارتباط قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد و برجام باید اشعار داشت که برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به واسطه ارتباط بین آن‌ها در یکدیگر تأثیرگذار خواهند بود؛ اما هر یک استقلال وجودی و ماهیتی متفاوتی دارند. در واقع نقض قطعنامه ۲۲۳۱ به مثابه نقض برجام نیست؛ اما نقض برجام ممکن است به مثابه نقض قطعنامه ۲۲۳۱ باشد، زیرا اساس شکل‌گیری قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت برنامه جامع اقدام مشترک بوده است.

هستند طبق برجام برای مبادلات و مراودات مربوط به فناوری هسته‌ای با ایران از کمیسیون مشترک مجوز اخذ کنند، قطعنامه شورای امنیت توصیه‌های این کمیسیون را ذیل ماده ۴۱ منشور لازم‌الاجرا تلقی کرده است. همچنین، علاوه بر اخذ مجوز از کمیسیون، کشورها باید این نوع از تبادلات را نیز به اطلاع شورای امنیت برسانند. در پایان باید بر این نکته کلیدی تأکید کرد که پرونده هسته‌ای یکی از نمونه‌های بارز تعارض تعهدات بین‌المللی ناشی از منابع مختلف حقوق بین‌الملل است که طرف‌های درگیر، هرکدام بر حقوق و تکالیف ناشی از یک منبع استناد می‌کنند. این در حالی است که ایران به استناد معاهده منع اشاعه، غنی‌سازی، دستیابی و استفاده از انرژی هسته‌ای را از حقوق ذاتی خود می‌داند. البته بر اساس رویه بین‌المللی در حال شکل‌گیری، با توجه به تجویز ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد در صورت وجود تعارض تعهدات بین موافقت‌های بین‌المللی و تعهدات ناشی از منشور از جمله تعهدات ناشی از قطعنامه‌های شورای امنیت، تعهدات دسته دوم برتری دارد و نتیجه بحث آن است که در صورت تعارض موافقت‌نامه برجام با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، این قطعنامه اولویت دارد.

در واقع، نقض قطعنامه موصوف به مثابه نقض برنامه جامع اقدام مشترک نیست، اما نقض مندرجات برجام ممکن است نقض قطعنامه باشد،

۸ قطعنامه ۲۲۳۱ این موضوع را تبیین کرده است؛ به عبارت دیگر، مقصود این بند خاتمه بخشیدن به قطعنامه‌های تحریمی قبلی است. تکنیک جالبی که برای نگارش این امر پیش‌بینی شده، درخور توجه است: درحالی‌که ذیل بند «الف» بند ۷، خاتمه قطعنامه‌های سابق اعلام شده در بند ۸ به خاتمه مقررات و مواد قطعنامه ۲۲۳۱ اشاره شده است. برای این منظور زمان ۱۰ ساله پس از روز تصویب برجام یا روز صدور قطعنامه ملاک قرار گرفته است. در این روز به شرط اینکه در این دوره ۱۰ ساله تحریم‌ها بازنگردد، وضعیت ایران و پرونده آن از دستور کار شورای امنیت برای همیشه خارج خواهد شد. نکته دیگر نظارت شورا بر برخی از فعالیت‌هایی است که در متن برجام پیش‌بینی شده است. در پاراگراف‌های بالا تلاش شد که تأکید شود این قطعنامه چگونه تعهدات طرف‌ها در برجام را عملیاتی می‌کند؛ یکی از این کارکردها نظارت است. بند ۱۶ قطعنامه وظیفه بررسی توصیه‌های کمیسیون مشترک (مندرج در برجام) را در خصوص طرح‌های دولت‌ها برای مشارکت در برنامه هسته‌ای ایران از جمله راکتور اراک یا برنامه‌های تحقیق و توسعه و برنامه‌هایی که به موجب برجام اجازه داده شده است بر عهده شورای امنیت قرار می‌دهد.

یکی از موارد ورود قطعنامه به ماهیت حقوقی برجام، اعطای اعتبار حقوقی به تصمیمات کمیسیون است. در مواردی که کشورها موظف